

سیاست‌های راهبردی در اشتغال زنان از دید آموزه‌های اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۹/۲۰

احمدعلی یوسفی*

چکیده

درباره اشتغال زنان دیدگاه‌های گوناگونی بین اندیشه‌وران حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و دینی وجود دارد. برخی با نگاه اقتصادی، طرفدار اشتغال زنان در خارج از خانه هستند. برخی از اندیشه‌وران اسلامی به رغم تأیید آموزه‌های اسلامی برای اشتغال زنان و نیز وجود الگوهای مورد تأیید در صدر اسلام، با اشتغال زنان در خارج از خانه موافق نیستند. به نظر می‌رسد اگر در اشتغال زنان، سیاست‌های متناسب با بافت تکوینی، روحی و جسمی آنان ملاحظه نشود، آسیب‌های غیرقابل انکاری به جامعه و خانواده وارد خواهد شد. نوشتار پیش‌رو به روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از آموزه‌های اسلامی در صدد کشف مجموعه سیاست‌های راهبردی مطلوب با رویکرد اسلامی برای اشتغال زنان است. با رعایت چنین سیاست‌های راهبردی، اشتغال زنان در خارج از خانه با آسیب‌هایی برای جامعه، تربیت فرزندان، خانواده و ... روبه‌رو نخواهد شد. یا آسیب‌ها به حداقل می‌رسند.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، سیاست‌های متناسب، ویژگی‌های تکوینی و فطری زنان.

طبقه‌بندی JEL: J12, J21, J23, J24, J38

Email:Yosofy1339@Yahoo.com.

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

اشتغال زنان، همیشه از بُعدهای گوناگون مورد بحث بوده است. در عرصه اقتصادی به جهت اهمیت فراوان بازدهی نهایی نیروی کار در برابر هزینه وی، هرگاه کارفرمایان تشخیص دهند که به کارگیری زنان در تولید کالاها و خدمات، ارزان تر از به کارگیری مردان است، به آن اقدام، و حتی با اخراج مردان، زنان را جایگزین می کنند. از دید اجتماعی، ارزش های دنیای متجدد، زنان را به مشارکت بیش تر در امور اجتماعی فرا می خواند. از دید اسلام، ارزش های اصیل دینی، بخش عمده وظیفه حفظ ارکان خانواده و تربیت فرزندان را بر عهده زنان قرار داده است. از دید جنسیتی، شرایط جسمی، وضعیت دوران بارداری، وضع حمل و دوران پس از آن و نیز ایام خاص شیردهی به فرزند و اموری مانند آن، الزام های خاصی را به دنبال دارد که همیشه اشتغال زنان در خارج از خانه با حفظ ارزش های اخلاقی، اجتماعی، حفظ ارکان خانواده، انجام وظیفه مادری و همسری سازگار نیست. به همین جهت برخی بر این باور هستند که اشتغال زنان در خارج از خانه، جامعه را با مشکل های عدیده ای روبه رو کرده است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۸۵۹).

این دیدگاه ها و مشکل ها، اندیشه وران حوزه های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و دینی را با پرسش هایی روبه رو کرده است: آیا با اشتغال زنان ایفای نقش همسری و مادری آنان ضعیف؛ بلکه تخریب نمی شود؟ آیا با اشتغال زنان تربیت کودکان از مدار صحیح خارج نمی شود؟ آیا ارکان و استحکام خانواده، با اشتغال زنان، مورد خدشه واقع نمی شود؟ آیا آسیب های اجتماعی و اخلاقی، ناشی از اشتغال زنان در خارج از خانه نیست؟

این پرسش ها از سوی اندیشه وران اسلامی در حالی مطرح می شود که قرآن کریم، دختران حضرت شعیب علیه السلام را در حالی یاد می کند که به کار چوپانی اشتغال داشتند (قصص: ۲۳). همچنین، در منابع روایی ما آمده است که زنان مسلمان در صدر اسلام در جلو دیدگان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به کارهای گوناگون؛ مانند: تجارت، ریسندگی، آرایشگری، اجاره املاک، تولید عطریات، چوپانی، خیاطی اشتغال داشته و مورد نهی آنها قرار نگرفته اند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، صص ۹۵-۹۳ و ۱۷۴). در برخی آیه های قرآن بر حق مالکیت زنان که از راه کار و کسب تحصیل می شود، تأکید شده است: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲)؛ برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده اند،

بهره‌ای است». بسیاری از خطاب‌های قرآنی و روایی که در مقام بیان فضیلت کار و کوشش یا توصیه به انجام آن هستند، اختصاص به مردان ندارند (جمعه: ۱۰ / هود: ۶۱ / کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۸۸). همچنین، دو زن نمونه صدر اسلام، یعنی حضرت زهراء علیها السلام و مادر گرامی وی حضرت خدیجه علیها السلام فعالیت و مدیریت اقتصادی داشتند و هیچ نشانی در تاریخ نداریم که حتی پس از شوهر کردن، فعالیت اقتصادی را کنار گذاشته باشند (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳-۱۰۸).

افزون بر آموزه‌های اسلامی می‌توان آثار مثبت فراوان اجتماعی و اقتصادی اشتغال زنان را بیان کرد که برخی از آنها عبارت هستند از: تقویت اقتصاد ملی، کمک به اقتصاد خانواده، تحصیل پشتوانه مالی برای ایام پیری، حضور در عرصه‌هایی که زنان موفق‌تر عمل می‌کنند؛ مانند معلمی، مامایی، پرستاری و نیز شخصیت‌یافتن، رشد عقلانی، کسب آرامش روحی، سلامت جسم و نشاط روحی، تأمین نیازهای اجتماعی، گسترش اخلاق اجتماعی، کاهش مفاسد از دیگر آثار مثبت اشتغال زنان می‌تواند باشد (رضایی، ۱۳۸۲، ص ۵۰ - ۳۵).

به‌رغم امور پیش‌گفته، اگر در اشتغال زنان، سیاست‌های متناسب با بافت روحی، جسمی و فطری آنان ملاحظه نشود؛ آسیب‌های غیرقابل انکاری به جامعه و خانواده وارد خواهد شد. به قول پارسونز، جامعه‌شناس مشهور امریکایی، اشتغال زنان، هم شرایط عاطفی زن در خانواده را تضعیف می‌کند و هم به سبب رقابت شغلی با شوهران، باعث نابسامانی وضعیت خانواده می‌شود (رنیرز، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶).

درباره اشتغال زنان مطلب‌های فراوانی نوشته و گفته شده است؛ اما هنوز در تحقیق‌های انجام‌شده مجموعه سیاست‌های حاکم بر اشتغال زنان متناسب با ویژگی‌های تکوینی و فطری آنان یافت نمی‌شود. نوشتار پیش‌گفته به روش تحلیلی و توصیفی با استفاده از آموزه‌های اسلامی در صدد کشف مجموعه سیاست‌های راهبردی حاکم بر اشتغال زنان متناسب با ویژگی‌های تکوینی و فطری آنان است و نشان می‌دهد با رعایت چنین سیاست‌های راهبردی، اشتغال زنان در خارج از خانه با آسیب‌ها برای جامعه، تربیت فرزندان، خانواده و ... روبه‌رو نخواهد شد یا آسیب‌ها به حداقل می‌رسند؛ بنابراین، در نوشتار پیش‌رو، ابتدا ویژگی‌های تکوینی زنان و حدالمقدور تفاوت آنها با ویژگی‌های

مردان براساس مطالعه‌های علمی و آموزه‌های اسلامی بیان می‌شود و سپس متناسب با آنها سیاست‌های راهبردی حاکم بر اشتغال زنان ارائه می‌شود.

ویژگی‌های تکوینی و فطری زنان

این ویژگی‌ها در دو بخش جسمی و روانی بررسی می‌شوند؛ اما پیش از بیان ویژگی‌ها، دو نکته شایان ذکر است:

۱. بیان ویژگی‌های اختصاصی فطری و تکوینی زنان بعد از اعتراف به این مطلب مهم است که زن و مرد در انسانیت، تکامل معنوی و سیر الی الله تفاوتی ندارند و اگر تفاوت‌های جسمی و روانی این دو جنس بررسی می‌شود، به جهت‌های دیگری مربوط می‌شود. فرشته‌ها، حیوانات، نباتات و انسان، موجودات زنده عالم هستند. در آیه‌های قرآن، انسان با صفت‌هایی معرفی شده است که در آن صفت‌ها، زن و مرد یکسان هستند که هم‌سانی آن دو را در انسانیت نشان می‌دهد. برخی از این صفت‌ها در ادامه بیان می‌شوند:

۱. **جانشینی خدای متعال:** قرآن در برخی آیه‌ها به صورت کلی انسان را مورد خطاب قرار داده و بیان می‌کند که «جعلناکم خلائف فی الارض» (یونس: ۱۴)؛ «شما را خلیفه بر روی زمین قرار دادیم». برخی مفسران، تصریح کرده‌اند که انسان به‌عنوان یک فرد معین جانشین خدا نیست؛ بلکه این مقام برای انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۶ / جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱-۴۲). از دید مفسران این منزلت، به مردان اختصاص ندارد و شامل زنان نیز می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱ / صدر، [بی‌تا]، ص ۲۰ - ۱۹)؛

۲. **آدم، مسجود فرشتگان:** خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قلنا للملائکة اسجدوا لآدم (اعراف: ۱۱)؛ به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید». مفسران باور دارند که این آیه به مردان اختصاص ندارد و آدم به‌عنوان نمادی از انسان، مسجود واقع شده است، نه به‌عنوان شخص؛ بنابراین، از جهت مسجود بودن، زن و مرد یکسان هستند (فخر رازی، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۵ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۴)؛

۳. **ارتقا و کمال معنوی انسان:** آیه‌های از قرآن زنان را مانند مردان در کمال معنوی مشترک می‌داند (احزاب: ۳۵ / توبه: ۷۲ / فتح: ۵). در آیه ۱۲ سوره حدید می‌خوانیم: «آن روز که مردان و زنان مومن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش و به جانب راستشان روان است. [به آنان می‌گویند] امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است، در آنها جاودان هستید. این است همان کامیابی بزرگ»؛

۴. **اشتراک در تکلیف و مسئولیت:** آیه‌هایی از قرآن به اشتراک زن و مرد در تکلیف و مسئولیت نسبت به اعمال (اعراف: ۱۹-۲۴ / احزاب: ۷۳ - ۷۲) و یکسانی ثواب و عقاب آن دو اشاره دارد (آل عمران: ۱۹۵ / نساء: ۱۲۴)؛

۵. **انتخاب و اختیار:** آیاتی از قرآن زن و مرد را در داشتن اختیار و انتخاب و در نتیجه دنبال کردن راه خوبی‌ها و بدی‌ها یکسان دانسته (آل عمران: ۱۷ / احزاب: ۳۵ / یوسف: ۹) و وصول به حیات طیبه را به آنان بشارت داده است (نحل: ۹۷). ویژگی‌های بیان‌شده از اختصاص‌های انسانی که در برابر فرشته، حیوان، نبات قرار دارد، است، نه برای مردی که در برابر زن قرار دارد؛

۶. **اشتراک در نفس واحده:** قرآن در آیه‌های آفرینش زن و مرد را از یک نفس بیان می‌کند (روم: ۲۱). از این‌گونه آیه‌ها، برابری زن و مرد در حقیقت انسانی استفاده می‌شود. همچنین علامه طباطبایی^{۱۱} با تکیه بر آیه‌هایی که تعبیر «بعضکم من بعض» را خطاب به زن و مرد دارد، شاهدی بر یگانگی انسانی مرد و زن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۰ - ۲۶۹). به‌رغم یکسان بودن زن و مرد در حقیقت انسانی؛ اما زن واجد برخی ویژگی‌های تکوینی و طبیعی متمایز از مرد است که سرچشمه تفاوت در نقش و رسالت‌های زن در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، حقوقی و ... می‌شود.

۲. تأکید می‌شود که منظور از ویژگی‌ها، ویژگی‌های تکوینی و فطری زنان است؛ بنابراین، ویژگی‌های اکتسابی و تربیتی را شامل نمی‌شود؛ یعنی برخی زنان ممکن است تحت تأثیر تعلیم و تربیت خاصی، برخی ویژگی‌های متمایز جنس دیگر در وی برجسته شود، در نتیجه کارکرد خاصی را بروز دهد؛ اما این امر قاعده کلی نمی‌تواند باشد. افزون بر آن معلوم نیست در مجموع برای آسایش و رفاهی که بشر در پی آن است، مفید باشد. چون زمانی بشر می‌تواند به آسایش و رفاه واقعی برسد که زن و مرد با توجه به ویژگی‌های تکوینی و طبیعی خود، کارکردهای متناسب آنها را در عرصه‌های گوناگون، ارائه دهند.

ویژگی‌ها و تفاوتی‌های جسمی زنان

زنان به لحاظ تکوینی، ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی با مردان دارند که کارکردهای خاصی را در عرصه‌های گوناگون به دنبال دارند. منابع اسلامی و نیز برخی تحقیق‌های علمی ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی را در بینایی چشم، مغز، قلب، شریان‌ها، اعصاب، عضلات بدنی و ... برای زنان بیان می‌کنند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تفاوت در بینایی

در روایت محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام تصریح به ضعف دید زنان نسبت به مردان شده است. امام علیه السلام برای این تفاوت تکوینی، کارکردی هم مترتب کرده است که عبارت است از: عدم پذیرش رؤیت هلال از زنان «لضعفهن عن الرؤیة» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۰۱).

برخی تحقیق‌های علمی تفاوت بینایی زن با مرد را نیز چنین بیان می‌کند که میدان دید زنان وسیع‌تر از مردان؛ اما دوربینی مردان، از دوربینی زنان بهتر است (رحیمی، ۱۳۷۸، صص ۱۳۴، ۳۳۴ / هاید، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱-۱۱۰).

همچنین در روایت‌های فراوانی با تعبیر «ضعاف القوی» اشاره به ضعف نسبی برخی قوای جسمی زنان دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۹). علامه طباطبایی رحمته الله علیه از یافته‌های علمی در تبیین این قبیل روایت‌ها کمک گرفته و اظهار می‌دارد که نوعاً زنان از نظر مغز، قلب، شریان‌ها، اعصاب، عضلات بدنی به‌طور نسبی ضعیف‌تر از مردان هستند، به‌گونه‌ای که جسم زن لطیف‌تر و نرم‌تر و جسم مرد خشن‌تر و محکم‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۵).

نتیجه‌های تعدادی از تحقیق‌ها نیز تفاوت برخی ویژگی‌های جسمی زنان را نسبت به مردان غیرقابل انکار می‌دانند؛ تفاوت در هورمون‌ها، سیستم عصبی و ساختار مغز (از جهت تفاوت وزن مغز، تمایز غده هیپوتالاموس، تفاوت نیمکره‌های مغز) (گاتیون، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۱۵ - ۷۸۴ / گنجی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۸). تفاوت‌های دیگر عبارت هستند از: قدرت بدنی، حس شنوایی (مردان جهت صدا را و زنان صداهای زیر را بهتر تشخیص می‌دهند)، حس لامسه (پوست زن لطیف‌تر و نسبت به درد و فشار حساس‌تر است)، زنان در کارهای دستی نسبت به مردان چابک‌تر هستند (هاید، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱-۱۱۰).

به جهت این ویژگی‌های تکوینی زن، کارکردهایی متناسب با آنها در آموزه‌های اسلامی بیان شده است؛ مانند: مهار و تلطیف برخی رفتارهای خشن مردان در سلوک با همسران و زنان. وقوع این رفتارها در مردان به جهت قوت قوای جسمانی مردان نسبت به زنان است و مهار و کنترل این نوع رفتارها به جهت ضعف قوای جسمی زن است. به همین جهت خداوند متعال ضعف قوای زنان را زمینه رحمت بیش‌تر در قیامت قرار داده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

ویژگی‌ها و تفاوت‌های روانی زنان

قوت احساس

منظور از احساس در اینجا اعم از عطوفت، انس، مهر و محبت است؛ بنابراین، منظور از قوت احساس، برداشت عامیانه از احساسی بودن زنان نیست تا آنان با انتساب به این واژه، ناتوان نشان داده شوند.

خداوند متعال به جهت بقای نسل بشر، تأمین سعادت، آرامش و رفاه برای عموم مرد و زن، تدبیرهای خاصی را در آفرینش تکوینی آنان اتخاذ کرده است. از جمله این تدبیرها، قوت عطوفت، مهر و انس در زنان است. در روایت‌هایی که چگونگی آفرینش حضرت آدم علیه السلام و حوا را بیان می‌کنند، آمده است که تمایل حضرت آدم علیه السلام به حوا به جهت ویژگی عطوفت و انس در حوا بوده است. چون این تمایل پیش از آنکه به آدم غریزه جنسی داده شود، در وی بود (همان، ج ۲۰، ص ۲۶۱ / صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۸۰). همچنین در روایت دیگری که درباره آفرینش حوا وارد شده، نشان می‌دهد که خداوند متعال زمینه‌های عطوفت و انس را در حوا نهاده بود (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۱۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دختران را واجد انس و محبت دانسته است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۳۶۲). افزون بر ویژگی‌های پیش‌گفته، خداوند متعال، تمایل زن به خودآرایی و جلب توجه و لطافت چهره زنان را ابزارهایی تکوینی برای توانمندسازی زنان در حوزه‌های گوناگون روابط خانوادگی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی قرار داده است. چنانکه اگر این ویژگی‌های تکوینی در برخی روابط اجتماعی و اقتصادی بدون توجه به کارکردهای هدفمند آنها جریان یابد، به یقین جامعه بشری را از سعادت، آرامش و رفاه دور می‌سازد. یکی از این کارکردها در روابط خانوادگی آرامش‌یافتن مرد در کنار زن است که به یقین فراتر از تمایل جنسی و از نوع آرامش روانی است. شاهد این ادعا آن است که حتی در دوران کهولت این آرامش، انس و عطوفت کاهش نمی‌یابد. در ظاهر آنچه در آیه ۲۱ سوره روم آمده است می‌تواند شاهی بر یکی از کارکردهای ویژگی‌های تکوینی پیش‌گفته در روابط بین زن و مرد باشد: «از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید».

امام سجاد علیه السلام نیز در رساله حقوق خطاب به مرد می‌فرماید که حق زوجهات بر تو آن است که بدانی خداوند متعال وی را برای تو سبب آرامش، انس و عطوفت قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۵ / صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲۱).

آیت‌الله مصباح‌یزدی باور دارد که عاطفه‌ها، انفعال‌ها و احساس‌های زن، سبب اثرپذیری بیشتر و بروز رفتارهای خیرخواهانه از سوی وی است. این ویژگی سبب می‌شود که زن، خیلی زودتر از مرد بخندد، بگرید و دست‌خوش انفعال‌های دیگر شود. همان‌طور که عاطفه بیش‌تر زن نیز سبب مهر و محبت، رقت قلب، عطوفت مادری و توانمندی زن در عرصه‌هایی می‌شود که نیازمند احساسات، عطوفت و ملامت فزون‌تر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۴ - ۲۰). همان‌طور که شهید مطهری علیه السلام نیز به این نوع ویژگی‌ها و کارکرد خاص آنها اشاره دارد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۷۳ - ۱۷۲). علامه طباطبایی علیه السلام نیز زن را واجد ویژگی عاطفی و احساسی خاصی می‌داند که خداوند متعال به آن وسیله، زن را برای کارایی ویژه‌ای مجهز کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۵).

رابطه عقل و احساس در زن

تردید نیست که انسان‌ها از جهت میزان عقل با هم متفاوت هستند؛ اما پرسشی درباره توانایی و میزان بهره‌ی زن از عقل نسبت به مرد از دید اندیشه‌وران مطرح است. آیا انسان‌ها به لحاظ جنسیتی از نظر میزان عقل و قدرت تعقل متفاوت هستند؟ یعنی زن به لحاظ زن‌بودن بهره کم‌تری از عقل دارد و مرد به لحاظ مرد‌بودن بهره بیش‌تری از عقل و قدرت تعقل دارد؟ اگر این تفاوت وجود داشته باشد، آیا به جهت تفاوت در میزان عقل در زن و مرد است؟ یعنی در حقیقت زن از جهت عقل و قدرت تعقل نسبت به مرد نقص دارد؟ یا این تفاوت به جهت تفاوت کارکرد عقل در زن و مرد است؟ یعنی زن و مرد به لحاظ میزان عقل با هم تفاوتی ندارند؛ اما به جهت کارکرد عقل، مرد با زن نوعاً تفاوت دارد.

برخی از اندیشه‌وران شیعه و سنی (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۳۴۳، ذیل آیه ۳۴ سوره نساء / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۹ / آلوسی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴ / مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۷۰) با تکیه بر برخی آیه‌ها (بقره: ۲۸۲ / نساء: ۳۴ / زخرف: ۱۸) و روایت‌ها (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۱۷) باور دارند که زن و مرد در میزان عقل و قدرت تعقل و

تفکر متفاوت هستند؛ اما با توجه به مطالبی که در بحث پیش گذشت، می‌توان مانند این آیه‌ها و روایت‌ها را به‌گونه‌ای منطقی تفسیر و تبیین کرد تا به تفاوت طبیعت زن و مرد در بهره‌مندی از میزان و قدرت تعقل قائل نشد. عقل انسان شئونی دارد. یکی از شئون عقل، کارکرد و کارایی عقل است. کارایی و کارکرد عقل در انسان بستگی به زمینه‌ها و موانعی دارد که ممکن است در راه عقل قرار گیرد. تربیت عقلانی یکی از زمینه‌های ظهور کارکردی و کارایی عقل است که در انسان - چه زن و مرد - ظهور و بروز آن با توجه به تساوی شرایط دیگر، یکسان خواهد بود؛ اما یکی از عوامل کارکرد عقل در انسان عدم وجود موانع است. یکی از موانع بسیار قوی در انسان قوت احساس، عاطفه و محبتی است که خداوند متعال در نهادش نهاده است. با توجه به بحث‌های گذشته، نعمت قوت احساس، عاطفه و محبت در زن به‌عنوان یکی از موانع کارکرد و کارایی عقل در زن شمرده می‌شود؛ یعنی بین میزان قدرت تعقل و کارکرد عقل و بین قوت احساس و عاطفه، رابطه معکوس وجود دارد. هر چه انسان احساسی‌تر و عاطفی‌تر باشد، کارکرد و کارایی وی در امور عقلی کاهش می‌یابد. برعکس، هر چه انسان دارای احساس و عاطفه ضعیف‌تری باشد، کارکرد و کارایی عقل بیش‌تر می‌شود. در حقیقت، قوت احساس و عاطفه، دشمن قدرت تعقل در انسان است؛ بنابراین، زن چون در طبیعت و نهاد خود، دشمن قدرتمندی برای تعقل مانند احساس و عاطفه قوی دارد، کارکرد و کارایی عقل در برخی میدان‌های موردنیاز ممکن است پایین بیاید. این امر هرگز به معنای نقص در عقل زن یا نقص در آفرینش زن شمرده نمی‌شود. همان‌طور که کارکرد و کارایی احساس و عاطفه در مرد را نسبت به زن نباید نقص طبیعت مرد شمرد؛ بلکه، بشر در راه زندگی خود برای اینکه به سعادت و کمال برسد، باید کارکرد عاطفه و احساس در زن و کارکرد عقل در مرد، قوی‌تر باشد.

آنچه بیان شد، در حقیقت تبیین نظریه‌ای است که آیت‌الله مصباح‌یزدی برای رابطه عقل، و احساس و عاطفه در طبیعت زن بیان کرده‌اند. وی باور دارد که عاطفه‌ها و احساس‌های زن سبب اثرپذیری بیش‌تر و بروز رفتارهای دیگرخواهانه از سوی وی است. این ویژگی سبب می‌شود که زن، خیلی زودتر از مرد بخندد، بگرید و دست‌خوش انفعال‌های شود. محبت، رقت قلب و عطوفت زن، باعث توانمندی وی در عرصه‌هایی می‌شود که نیازمند احساس‌های بیش‌تر و ملایمت فزون‌تر است؛ بنابراین شاید بتوان گفت که فزونی قدرت

تعقل در مرد، نه به علت برتری مرد در برخورداری بیش تر از میزان عقل؛ بلکه معلول ضعف دشمنان تعقل در مردان و قوت دشمنان تعقل در زنان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۴-۲۰). شبیه این نوع تفسیر در گفتار اندیشه‌ورانی؛ مانند: نویسنده کتاب تحریر المرأة فی عصر الرساله (ابوشقه، ۱۴۱۰، ص ۲۸۶)، نویسندگان تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷) و نویسنده تفسیر فی ظلال القرآن (قطب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۳۵) قابل مشاهده است.

فرق این دیدگاه با دیدگاه‌های دیگر در اشتغال زنان در عرصه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی آن است که اگر در عرصه‌ای عواطف و احساسات، نقش خاصی ندارند؛ اما کارکرد و کارایی عقل، اهمیت داشته باشد، نباید تفاوتی از این جهت بین زن و مرد گذاشت؛ اما دیدگاهی که به نقص در عقول زنان قائل است، سیاست‌ها و زمینه‌های فعالیت در این عرصه‌ها باید به نفع مردان ساماندهی شود.

براساس آنچه بیان شد، می‌توان آیه‌ها و روایت‌هایی را که برخی از اندیشه‌وران اسلامی از ظاهر آنها نقص و کاستی عقل را به لحاظ جنسیت و طبیعت زن بودن استنباط کرده‌اند، به تفاوت در کارکرد و کارایی عقل، و عاطفه و احساس در زن و مرد حمل کرد. در خود روایت‌ها و آیه‌ها می‌توان شواهدی به نفع این دیدگاه ارائه کرد و تفاوت طبیعت زن و مرد را در میزان عقل منتفی دانست. از جمله این روایت‌ها، روایت **نهج البلاغه** است که ارزش شهادت دو زن را مانند شهادت یک مرد می‌داند. چنانکه گذشت، برخی محققان از این روایت، کاستی عقل زن را نسبت به مرد استنباط کرده‌اند (نهج البلاغه، خ ۸۰). با صرف نظر از سند این روایت و برخی اشکال‌های دیگر وارد بر آن، شاهد ارائه شده در آن، به‌طور کامل مدعای دیدگاه مورد قبول این نوشتار را تأیید می‌کند. چون روایت کارکرد عقل را در عرصه شهادت، گواه آورده است. معلوم است که عرصه شهادت در بسیاری مواقع، آمیخته با احساس‌ها و عاطفه‌ها بوده که در زنان قوی‌تر از مردان است و قوت عاطفه و احساس‌ها، دشمن کارکرد طبیعی عقل است؛ بنابراین، چون در این عرصه، امکان خطای کارکردی عقل بیش تر، و این اشتباه در کارکرد عقل زن فزون‌تر است، شهادت دو زن، همسان شهادت یک مرد شمرده می‌شود.

همچنین برخی از اندیشه‌وران اسلامی آیه ۲۸۲ سوره بقره را قرینه‌ای بر نقصان عقل زن شمرده‌اند (علایی رحمانی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱-۱۱). آیه در این باره می‌گوید: «و اگر دو مرد برای شهادت موجود نباشند، یک مرد و دو زن را که از شاهدان مورد رضایت شما هستند به شهادت بگیری تا اگر یکی از آن دو زن، گرفتار خطا شد، دیگری به وی یادآوری کند». آنچه درباره کارکرد عقل و وجود قوت عاطفه و احساس‌ها در روایت پیشین بیان شد، در تبیین این آیه نیز می‌توان گفت؛ همان‌طور که برخی از اندیشه‌وران اسلامی؛ مانند: آیت‌الله مصباح‌یزدی به تأثیر احساس‌ها در ادای شهادت تصریح کرده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۸-۴۶).

مانند آیه و روایت پیش گفته، روایت‌ها و آیه‌های دیگری نیز در منابع روایی وجود دارند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۳۴، ح ۳؛ ص ۲۵۳، ح ۵۶؛ ج ۱۰۴، ص ۳۰۶، ح ۱۰ / نوری طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۲۸۵، ح ۲) که برخی اندیشه‌وران اسلامی از ظاهر آنها برای مدعای خود بهره جسته‌اند؛ در حالی که می‌توان در آنها شواهدی بر مدعای نوشتار پیش گفته ارائه کرد یا در جمع بین آنها به نتیجه‌ای که تحقیق پیش‌رو مدعی آن است، واصل شد.

حیا

در آموزه‌های اسلامی به کثرت حیا در زنان نسبت به مردان تصریح شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴، ح ۲۰ و ۲۱). حیا عبارت است از تغییر روحی و روانی به سبب خوف از آنچه که عرفاً یا شرعاً نقص و عیب شمرده می‌شود و انسان به آن جهت مورد نکوهش قرار می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲). مرحوم مجلسی رحمته‌الله درباره معنای حیا می‌نویسد: «ملکه‌ای نفسانی است که سبب خودداری نفس از کردار زشت و انزجار از فعل خلاف عرف و ادب می‌شود. این رفتار به سبب خوف از نکوهش دیگران اتفاق می‌افتد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۳۲۹).

از روایت‌ها بر می‌آید که حیا ویژگی تکوینی است نه اکتسابی که بر اثر تربیتی خاص حاصل شده باشد. همان‌طور که در روایتی *حوا* از درگاه الهی آنچه را که به حضرت

آدم عليه السلام داده است، مطالبه می‌کند که خدای متعال می‌فرماید که «به تو حیا، رحمت و اُنس ارزانی کرده‌ام» (نوری طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۲۱۴، ح ۱۸۰۳۷).

قرآن نیز این ویژگی زنان را در بیان نعمت‌های الهی اخروی رعایت کرده است و مردان بهشتی را به‌عنوان پاداشی برای زنان مؤمنه بیان نمی‌کند. در حوزه تشریح نیز این امر مطابق با ویژگی حیای زن رعایت می‌شود. همان‌طور که در احکام ازدواج وقتی زمان اعلام نظر موافق دختر می‌رسد، سکوتش در برابر پرسش پدر، نشانه رضایت وی شناخته می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۹۳، ح ۴ و ص ۳۹۴، ح ۸ / شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۸۶، ح ۱۵۵۰).

ویژگی حیا، همراه با جذابیت جسمی و جنسی زنان، با توجه به ضعف توان دفاعی آنان در برابر تهاجم‌های دیگران، ابزاری برای پرهیز از در معرض خطر قرارگرفتن است.

بیان شد که حیا یکی از ویژگی‌های تکوینی طبیعت زنان است؛ اما این امر به آن معنا نیست که حیا بر اثر فرهنگ، آداب غلط و تربیت ناصحیح دست‌خوش تغییرهای نامطلوب نمی‌شود. اگر زنان در معرض تأثیر فرهنگ، آداب و تربیت ناصحیح قرار گیرند، حیای آنان کاسته می‌شود؛ بنابراین، آن انتظاری که از کارکرد حیا در زنان در خانواده و روابط اجتماعی و تربیتی می‌رود، ممکن است برآورده نشود. در این صورت به‌طور قطع جامعه و خانواده‌ها با آسیب‌های تربیتی و فرهنگی جدی روبه‌رو خواهند شد و جامعه بشری در وصول به سعادت و هدف‌های عالی ناکام می‌ماند.

پیش از ادامه بحث لازم است به فلسفه ویژگی‌های تکوینی جسمی و روانی زن اشاره‌ای شود.

فلسفه ویژگی‌های تکوینی و فطری زن

پیش‌تر روشن شد که زن و مرد به لحاظ انسان‌بودن هیچ‌گونه تفاوتی با هم ندارند؛ بنابراین، ویژگی‌های تکوینی در زن و تفاوت آنها با ویژگی‌های تکوینی مرد، سرچشمه تفاوت در انسان‌بودن بین زن و مرد نمی‌شود. آموزه‌های اسلامی تصریح دارند که آفرینش انسان هدفمند و برای کمال و سعادت و رسیدن انسان به مقام عبودیت است (قمر: ۴۹). هدف آفرینش اختصاصی به زن یا مرد ندارد؛ بلکه هر دو جنس برای این هدف آفریده شده‌اند؛ بنابراین، برای تحقق هدف پیش‌گفته، آفرینش انسان باید به‌گونه‌ای انجام می‌شد تا نسل

انسان بقا پیدا کند و نیز انسان به هدف از آفرینش برسد؛ بنابراین، خداوند متعال ویژگی‌ها و استعدادها را خاصی در هر یک از دو جنس بشر قرار داده است تا هر یک از دو جنس با قبول مأموریت‌های متفاوت، مکمل هم در راه کمال و سعادت باشند. برای تحقق این امر، خداوند متعال رسالت و تکلیف‌های متمایزی در عرصه‌های گوناگونی برای هر یک از دو جنس انسانی تشریح و دستور فرموده است؛ بنابراین، فقط با هماهنگی بین ویژگی‌های تکوینی و تکالیف و رسالت‌های تشریحی اخلاقی و حقوقی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی می‌توان انتظار وصول به هدف آفرینش و سعادت را داشت. هر چند برخی نقش‌های متناسب با ویژگی‌های تکوینی برای وصول به هدف‌های آفرینش را می‌توان از ناحیه یافته‌های علمی درک کرد؛ اما درک کامل نقش‌های متناسب با هدف‌های آفرینش نیازمند وحی است. آنچه بیان شد در نوشته‌های شهید مطهری رحمته‌الله علیه و علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه نیز اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۴، ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره / مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷-۱۴۴). آیت‌الله مصباح‌یزدی به تبیین روشن‌تر این رابطه می‌پردازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۷-۳۵). شایان ذکر است که اگر در نظام آموزش، اشتغال و اقتصاد، عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و مدیریتی جامعه به نقش‌های متناسب با ویژگی‌های تکوینی توجه نشود، جامعه، زن و مرد با آسیب‌های فراوانی در عرصه‌های پیش‌گفته روبه‌رو می‌شوند (منجم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۷-۱۸۶).

سیاست‌های راهبردی اشتغال زنان از دید اسلام

با توجه به ویژگی‌های پیش‌گفته، سیاست‌های مطلوب اشتغال زنان در جامعه اسلامی ارائه می‌شود. شایان ذکر است که این سیاست‌ها قابلیت تکمیل دارد و ممکن است صاحب‌نظران با دقت و مطالعه‌های بیشتر آن را به سمت تکامل پیش ببرند.

۱. **شغل زنان برطرف‌کننده نیازهای عمومی باشد:** زنان با توجه به روحیه شدید محبت و حمایت‌گری اگر ببینند که کوشش آنان باعث برطرف‌شدن برخی نیازهای عمومی جامعه می‌شود، احساس رضایت بیشتری از اشتغال خود خواهند داشت. از جمله این شغل‌ها عبارت هستند از: اشتغال در بخش‌های حمایت‌گری. گرچه هر انسانی وقتی مشاهده کند که فردی با کوشش وی از مشکلات نجات پیدا می‌کند، احساس رضایت می‌کند؛ اما زنان

با توجه به ویژگی پیش گفته بیش تر از مردان از ثمره کوشش خود که افراد را از مشکلات نجات دهد، احساس رضایت می کنند. به نظر می رسد به جهت همین ویژگی باشد که امام صادق علیه السلام مأموریت های حمایت گری را به برخی از زنان مدینه می سپارد: «عن موسی بن جعفر علیه السلام قال: «کان ابي یبعث اُمی و اُمّ فروه تقضیان حقوق اهل المدینة» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۱۷، ح ۵ / صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۵۲۹).

امام کاظم علیه السلام فرمود: «پدرم، مادرم و ام فروه را مأمور می کرد تا نیازها و حقوق اهل مدینه را برآورده کنند»؛ بنابراین، شایسته است که مسئولان در بخش اشتغال زنان به این امر توجه ویژه داشته باشند.

۲. تناسب شغل زنان با توان و لطافت جسمی آنان: با توجه به ضعف قدرت و قوت جسمی زنان نسبت به مردان باید عرصه کار و شغلی که بر عهده زنان گذاشته می شود، با طبیعت و توان جسمی آنان متناسب باشد؛ بنابراین، نوع کار و میزان و کمیت آن، مسئله مهمی است. به همین جهت است که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «لَا تُمَلِّکِ الْمَرْأَةَ مِنْ أُمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (نهج البلاغه، ن ۳۱ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۲۰).

زن را در امری که بیش از حد توانش است، بر وی تحمیل نکن؛ زیرا زن مانند گل بهاری است نه قهرمان.

برخی مفسران؛ مانند: علامه طباطبایی علیه السلام با تمسک به آیه «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) مدعی هستند که این آیه، اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد و شامل امور اجتماعی و اقتصادی نیز می شود؛ بنابراین، امور اقتصادی و نوع و میزان کار زن باید متناسب با ویژگی ها و توان و قدرت طبیعت زنان باشد (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۵۵ / جوادی آملی، ۱۳۷۵، صص ۲۷۰، ۳۶۹). کارهایی؛ مانند: آتش نشانی، کار در معادن که متناسب با این ویژگی تکوینی و طبیعی زنان نیست، نباید به آنان واگذار شود.

۳. تناسب شغل با ویژگی حیا: با توجه به ویژگی حیا و اهمیت آن در امور تربیتی و فرهنگی و وصول جامعه به هدف های عالی باید عرصه های اشتغال زنان، به گونه ای باشند تا حیای زنان در معرض خطر و دستخوش تغییر قرار نگیرد. شغل هایی که باعث اختلاط نامناسب زن و مرد شود، ممکن است به مرور باعث صدمه به حیای آنان شود. به جهت

رعایت حیا، در قصه دختران حضرت شعیب علیه السلام در قرآن مشاهده می‌شود که در شغل چوپانی خود حاضر به اختلاط با مردان نمی‌شوند «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ» (قصص: ۲۳)، دختران حضرت شعیب علیه السلام گفتند منتظر هستیم تا مردان گوسفندان خود را سیراب کنند و سپس ما گوسفندان خود را آب دهیم». در ادامه، قرآن آمدن دختر حضرت شعیب علیه السلام نزد حضرت موسی علیه السلام را با ویژگی حیا تصریح می‌کند «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ (همان، ۲۵)، یکی از آن دو دختر باکمال وقار و حیا آمد». این مطلب نشان می‌دهد که به جهت رعایت حیا دختران حضرت شعیب علیه السلام حاضر به اختلاط با مردان نشدند و قرآن در آیه‌های بعدی بیان می‌کند که دختران حضرت شعیب علیه السلام چوپانی را رها می‌کنند و وی آن را به حضرت موسی علیه السلام می‌سپارد؛ بنابراین، شغل‌هایی که ملازم خلوت زن با مرد یا اختلاط مرد و زن است، متناسب با این ویژگی زن نیست و باید شرایط شغلی به گونه‌ای فراهم شود تا زن با این نوع محاذیر روبه‌رو نشود. برای حفظ حریم و حیای بانوان در مشاغلی مانند پزشکی زنان که از امور ضروری جامعه است، باید قوانین سخت‌گیرانه درباره هرگونه تعدی جنسی، روحی و روانی نسبت به آنان وضع کرد تا بانوان با آرامش بیش‌تری به این امور اشتغال داشته باشند.

تناسب شغل با ویژگی حیا در انواع اشتغال زنان از جمله مرحله‌های آموزش آنان نیز باید رعایت شود. ضرورت رعایت این امر در سنینی که اختلاط دو جنس مخالف ممکن است، آسیب‌های شدیدتری به حیای دختران و زنان وارد سازد، بیش‌تر است؛ بنابراین، ضرورت تفکیک جنسیتی برای دوران اشتغال به آموزش بانوان در دانشگاه و دبیرستان، بیش‌تر از دبستان است.

۴. با توجه به ویژگی شدت عطف، خیرخواهی برای دیگران، مهر و احساس در زن، لازم است یک نوع تقسیم منطقی کار درباره کار در منزل و بیرون از منزل بین زن و مرد انجام گیرد. از آنجایی که منزل محل زندگی، تربیت، رشد معنوی و مادی فرزندان است و مادر به لحاظ ویژگی‌های تکوینی پیش‌گفته کامیاب‌تر به تربیت فرزندان است، لازم است کارهای منزل از جمله تربیت فرزندان به مادر سپرده شود و مرد کارهای بیرون از منزل را عهده‌دار شود. این امر اقتضا دارد که مرد هزینه‌های زندگی را تأمین کند و نیز زن واجب‌النفقه مرد شمرده شود و در صورت توانایی مالی مرد، زن هیچ‌گونه مسئولیتی برای

تأمین هزینه زندگی ندارد؛ البته، این تقسیم کار به این معنا نیست که زن حق کار کردن در خارج از منزل را نداشته باشد؛ بلکه در زمانی که در زندگی مشترک زن و مرد فرزندی نیست، زن می‌تواند بخشی از اوقات خود را به کار در خارج از منزل مشغول شود یا حتی اگر فرزندی داشته باشند و کار در خارج از منزل، با وظیفه‌های همسری و مادری منافات نداشته باشد، می‌تواند ساعاتی را در خارج از منزل به اموری که متناسب با ویژگی‌های تکوینی‌اش دارد، اشتغال داشته باشد؛ اما در غیر آن موارد، اساس این تقسیم کار نباید مورد خدشه واقع شود. این تقسیم کار در آموزه‌های اسلامی تصریح و مورد تأکید قرار گرفته است و به‌عنوان الگوی عملی در زندگی اولیای دین وجود داشته است. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کارهای داخل خانه را حضرت فاطمه علیها السلام انجام دهد و کارهای خارج خانه بر عهده علی علیه السلام باشد». نقل شده که حضرت فاطمه علیها السلام فرموده است: خدا می‌داند که من چقدر از این تقسیم کار خوشحال شدم، چون کارهای خارج خانه به عهده من نیفتاد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۸۱ / حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۲۳).

بر این نوع تقسیم کار روایت‌های بسیاری دلالت دارند (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، صص ۱۷۴ و ۱۷۶؛ ج ۱۶، ص ۳۴۴ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، صص ۲۵۸، ۲۶۱).

۵. با توجه به بند پیش - ویژگی‌های تکوینی زن و لزوم عهده‌داری نفقه زن به‌وسیله مرد و عدم مسئولیت زن در این باره - رویکرد جنسیتی در فرصت‌های شغلی قابل دفاع است؛ بنابراین، می‌توان سیاست‌گذاری‌های شغلی جنسیتی را در این باره در پیش گرفت؛ یعنی فرصت‌های شغلی را به‌صورت اولویت به مردان اختصاص داد. چون مرد مؤظف به تأمین هزینه‌های زندگی و همسر خود است. وقتی زمینه‌های اشتغال مردان بهتر فراهم شود، به‌طور طبیعی یکی از موانع ازدواج مرتفع می‌شود و با گسترش ازدواج و تشکیل خانواده بخشی از شدت مطالبه‌های زنان برای اشتغال کاهش می‌یابد؛ بنابراین، رعایت ویژگی‌های تکوینی زنان در امر اشتغال باعث کاهش بخشی از تقاضای کار در سطح کلان می‌شود.

۶. خانه‌داری به‌عنوان یکی از شغل‌های رسمی برای زنان شناخته شود. چون تردیدی نیست که ایفای شایسته نقش زن در خانه، آثار مثبت فراوان پنهان و آشکار اقتصادی برای خانواده و جامعه، تربیتی برای فرزندان، پایداری خانواده، کمک به تثبیت هنجارهای جامعه و ... دارد؛ بنابراین، لازم است خانه‌داری مورد توجه خاصی قرار گیرد و ارزش‌گذاری

ویژه‌ای شود. برای تحقق این امر می‌توان مشوق‌هایی برای این نوع شغل در نظر گرفته شود و به بانوان خانه‌دار موفق، جایزه‌هایی اختصاص داد یا حتی مبلغ مستمری از طرف دولت برای زنان خانه‌داری که هیچ‌گونه شغلی در خارج از خانه ندارند، در نظر گرفته شود. این قبیل برنامه‌های تشویقی باعث کاهش تقاضای کار برای زنان به‌ویژه برای مشاغل کاذب و کم‌درآمد می‌شود. همچنین هم‌سو با آموزه‌های دینی برای پرهیز از عدم اختلاط مردان و زنان، رعایت حقوق همسری و وظایف مادری است.

۷. در کارها و شغل‌های اختصاصی زنان یا کارهایی که حضور زنان در آنها الزامی است، باید به‌صورت پاره‌وقت اشتغال به کار داشته باشند؛ چون اشتغال تمام وقت برای زنان متأهل باعث وارد آمدن فشارهای روحی و روانی به آنان، سست شدن روابط عاطفی در خانواده، تضعیف استحکام خانواده و ... می‌شود. در حالی که اشتغال پاره‌وقت به مقدار قابل توجهی می‌تواند فرصت لازم را به این قبیل زنان بدهد تا وظیفه‌ها و امور مربوط به خانه، فرزند و شوهر را انجام داده و از تبعات منفی اشتغال خارج از خانه بکاهد. اشتغال پاره‌وقت حتی درباره دختران مجرد شاغل نیز امری مطلوب‌تر از اشتغال تمام‌وقت برای آنان است؛ چون اگرچه بخشی از آثار منفی پیش‌گفته درباره دختران متنفی است؛ اما لزوم کسب مهارت‌های خانه‌داری، بچه‌داری و تربیت آنان، شوهرداری و نیز متنفی شدن احساس استقلال کاذب مالی آنان و آثار منفی آن، اشتغال پاره‌وقت را برای دختران نیز موجه می‌سازد. شایسته است که مزایای دوران بازنشستگی برای این قبیل زنان به میزان پاره‌وقت دوران اشتغال باشد؛ یعنی مزایای دوران بازنشستگی این قبیل زنان از مردان کم‌تر است. این امر مشکلی برای زنان پدید نمی‌آورد، چون آنان واجب‌النفقه همسران خود شمرده می‌شوند. اشتغال پاره‌وقت برای زنان بی‌سرپرست که خود سرپرستی خانواده را عهده‌دار هستند، مورد تأکید بیش‌تر است؛ البته لازم است دولت برای این قبیل زنان، حقوق بیش‌تری اختصاص دهد تا بتوانند هزینه‌های زندگی و فرزندان تحت سرپرستی خود را تأمین کنند.

به‌رغم مطالب پیش‌گفته، باید در برخی شغل‌هایی که حضور زنان متخصص ضرورت شدیدی دارد، اهمیت مطلب را مورد توجه قرار داد؛ به‌طور مثال، برخی زنان ممکن است تخصص‌های پزشکی بالایی به‌ویژه درباره مسائل خاص زنان باشند، در این موارد باید دو مطلب به ترتیب اولویت مورد توجه قرار گیرد:

۱. در کوتاه‌مدت شرایط حضور زنان متخصص را حداکثری فراهم کرد؛ یعنی نظام اسلامی باید برخی امکانات را برای این قبیل زنان فراهم کند تا با استفاده از آنها بتواند به وظیفه‌های تخصصی خود عمل کند و هم به وظیفه‌های مادری و همسر خویش؛

۲. نظام اسلامی با برنامه‌ریزی باید تعداد این قبیل زنان متخصص را به قدری فراوان کند تا با اختصاص وقت کم‌تری به شغل خودشان نیازهای تخصصی جامعه برطرف شود و آنان نیز بتوانند وقت بیش‌تری را به امور منزل و تربیت فرزندان و وظیفه‌های همسری اشتغال داشته باشند.

۸. حمایت از مشاغل خانگی: با توجه به ویژگی‌های تکوینی زنان، نقش آنان در تربیت و رشد فرزندان و عهده‌داری برخی امور منزل، نقشی بی‌بدیل است؛ بنابراین، تا جایی که ممکن است باید زمینه اشتغال آنان را در منزل فراهم یا از شغل‌های موجود در منازل حمایت‌های جدی کرد. شغل‌هایی؛ مانند: صنایع دستی، تولید فرش‌های دستی، و در روستاها حمایت از پرورش گاو، گوسفند، دام و طیوری که در کنار محل زندگی پرورش داده می‌شوند و زنان روستایی نقش مهمی در این قبیل امور دارند باید مورد حمایت جدی قرار گیرند. این قبیل فعالیت‌های اقتصادی افزون بر مزیت‌های پیش‌گفته، نقش مهمی در رشد و استقلال اقتصادی کشور دارند. دولت با حمایت از این قبیل فعالیت‌های اقتصادی خانگی، زنان فرصت لازم را پیدا می‌کنند تا هم‌سو با ویژگی‌های تکوینی خود، وظیفه‌های مادری و همسری و تربیت فرزندان را به شایستگی انجام دهند. همچنین با حمایت از این قبیل فعالیت‌ها از مهاجرت به سمت شهرها جلوگیری می‌شود و نیز از برخی تقاضاهای کاذب اشتغال جلوگیری می‌شود؛ بنابراین، با حمایت مادی، آموزشی، بهداشتی، تأمین اجتماعی و ... می‌توان زمینه گسترش این قبیل شغل‌ها را تقویت و توسعه داد.

استفاده از تجربه‌های کشورهای که ضوابط دورکاری را تنظیم و اجرا می‌کنند، برای نظام جمهوری اسلامی ایران درباره شغل‌های زنان، امری ضروری است؛ البته باید آن ضوابط و شرایط را بر پایه آموزه‌های اسلامی بازنگری و بازسازی کرد. نظام اسلامی می‌تواند این سیاست را با اولویت برای زنان شاغل نسبت به مردان در پیش گیرد. با تحقق این امر، زنان شاغل می‌توانند به شغل‌های خود ادامه دهند و نیز می‌توانند حضور بیش‌تری در منزل داشته باشند و وظیفه‌های مادری و همسری را به‌صورت بهتری انجام دهند.

۹. از آنجایی که ارزش‌های اسلامی مطابق با ویژگی‌های طبیعی زنان تشریح شده، لازم است در سیاست‌های اشتغال زنان این ارزش‌ها به صورت کامل رعایت شود. به یقین رعایت ارزش‌های اسلامی در پایداری و بالندگی خانواده و حرکت جامعه اسلامی به سمت هدف‌های عالی آن کمک شایانی خواهد کرد.

۱۰. این سیاست‌ها باید انعطاف‌پذیر نسبت به وضعیت گوناگون زنان باشند؛ بنابراین نمی‌توان برای تمام زنان دستورالعملی ثابت ارائه کرد. وضعیت زنان مجرد با زنان متأهل متفاوت است. وضعیت زنان باردار یا صاحب فرزندی که هنوز فرزندش در سنین طفولیت است با زنانی که صاحب فرزند نشده‌اند، فرق دارد. همچنین براساس برخی وضعیت تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی، خانوادگی و ... این سیاست‌ها باید انعطاف لازم را داشته باشند.

۱۱. برای تحقق سیاست‌های مطلوب، باید بسترهای لازم جهت آموزش و تربیت زنان، متناسب با نیازهای جامعه و هم‌سو با ویژگی‌های طبیعی آنان فراهم شود. فراهم‌آوردن چنین بستری نیازمند کارهای کارشناسی دقیق و فرهنگ‌سازی عمومی است؛ بنابراین برای تحقق سیاست‌های مطلوب اشتغال زنان، آموزش‌های لازم با رویکرد جنسیتی ضروری است. آموزش‌های لازم برای دختران که در آینده همسر و مادر خواهند بود، آموزش مهارت‌های زندگی و مدیریت خانه، همسررداری، مادری نیازمند مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم است که با آموزش‌های لازم، محقق می‌شود.

۱۲. در این سیاست‌ها، دولت اسلامی وظیفه مهمی بر عهده دارد. برای اینکه سیاست‌های مطلوب اشتغال زنان به صورت شایسته رعایت شود، دولت اسلامی باید زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن را به طور کامل فراهم کند.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بی‌تردید کمال و سعادت همه افراد جامعه اسلامی از هدف‌های عالی نظام اسلامی است. برای وصول به این هدف باید افراد رفتارهای اقتصادی خود را و نیز نظام اسلامی فعالیت‌های اقتصادی مردان و زنان جامعه اسلامی را متناسب با ویژگی‌های فطری و تکوینی آنان سامان‌دهی کند. در چگونگی سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی باید ملاحظه‌های کمی و کیفی مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق چنین امری باید سیاست‌های

تحصیلی و تربیتی بانوان به گونه‌ای تنظیم شود تا پس از اتمام تحصیلات بتوانند در شغل‌هایی که متناسب با ویژگی‌های فطری و تکوینی آنان است، فعالیت کنند. در این صورت محصول نهایی فعالیت اقتصادی آنان مطلوب خواهد بود و می‌توانند از عهده وظیفه‌های همسری و مادری برآیند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آلوسی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۲. ابوشقه، عبدالحلیم؛ تحریر المرأة فی عصر الرسالة؛ کویت: دارالقلم، ۱۴۱۰ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۴. ——— زن در آینه جلال و جمال؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۵. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۶. خدارحیمی، سیامک و دیگران؛ روان‌شناسی زنان؛ مشهد: انتشارات خاتم، ۱۳۷۸.
۷. دويس، موريس و پیرون هانری؛ روان‌شناسی اختلافی؛ ترجمه محمدحسین سروری؛ تهران: سخن، ۱۳۶۶ش.
۸. رضایی، مجید؛ «مقاله اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلام»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۵، ۱۳۸۶.
۹. ———؛ کار و دین؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۰. رنیرز، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷.
۱۱. ساروخانی، باقر؛ دایرة المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۱۲. شریف، راضی؛ خصائص الائمة؛ تحقیق: محمدهادی امینی؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۱۳. صدر، محمدباقر؛ الاسلام و یقود الحیوة؛ نجف: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۴. صدوق، محمدبن‌علی‌بن‌بابویه؛ من لا یحضره الفقیه؛ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ سوم، بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۹۴ق.
۱۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع البیان؛ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۷. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۸. طوسی؛ الامالی؛ تحقیق: الدراسات الاسلامیه؛ قم: مؤسسه البعثه، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۹. —؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق سیدحسن موسوی خراسان؛ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. علایی‌رحمانی، فاطمه؛ زن از دیدگاه نهج البلاغه؛ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱. فخر رازی؛ تفسیر کبیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۳م.
۲۲. قطب، سیدمحمد؛ تفسیر فی ظلال القرآن؛ ترجمه مصطفی خرم‌دل؛ تهران: نشر احسان، ۱۳۷۸.
۲۳. کاپلان، هارولد و سادوک بنامین؛ خلاصه روان‌پزشکی؛ ترجمه نصرت‌الله پورافکاری؛ تبریز: ذوقی، ۱۳۶۸.
۲۴. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۲۵. گاتیون، آرتور، فیزیولوژی پزشکی؛ ترجمه محمدحسن عامری و فرشید علی‌یاری و آرزو خسروی؛ تهران: اشارت، ۱۳۷۲.
۲۶. گنجی، حمزه؛ روان‌شناسی تفاوت‌های فردی؛ تهران: بعثت، ۱۳۶۹.
۲۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۵.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۳۱. منجم، رویا؛ زن - مادر نگاهی متفاوت به مسئله زن؛ تهران: مس، ۱۳۸۱.
۳۲. مهریزی، مهدی؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۳۳. نوری طبرسی، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق.
۳۴. هاید، ژانت؛ روانشناسی زنان؛ ترجمه بهزاد رحمتی؛ پنجم، تهران: انتشارات لادن، ۱۳۷۴.